

آیا حمایتگرایی دولت شاخص‌های فقر را در روستا کاهش داده است؟ مطالعه موردی استان مازندران

سید مجتبی مجاوریان^{۱*}، نوشین رئیسی^۲

تاریخ پذیرش: ۲۳ آذر ۹۳

تاریخ دریافت: ۱۲ فروردین ۹۳

چکیده

فقر مانعی مهم در عدم توسعه اقتصادی جهان سوم محسوب می‌شود. هدف از این مطالعه اندازه‌گیری فقر در روستاهای استان مازندران در شش مقطع زمانی است که یک مقطع آن پس از اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها است. پس از محاسبه خط فقر در منطقه مورد مطالعه، برای اندازه‌گیری فقر، شاخص‌های درصد فقر، شدت فقر و شاخص سن محاسبه گردید. داده‌های تحقیق از اطلاعات آماری هزینه درآمد خانوار روستایی این استان طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰ استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد در سال ۸۸، حدود ۱۰ درصد جامعه زیر خط فقر قرار داشتند. در سال ۹۰ (بعد از هدفمندی یارانه‌ها) انرژی مورد نیاز دهک اول درآمدی تأمین نشده است. در جامعه روستایی بواسطه تأمین غذایی مورد نیاز از طریق تولید خانوار، دریافت یارانه‌ی نقدی نسبت به یارانه‌ی کالایی منفعت بیشتری داشته است. در این راستا با توجه به نتایج بدست آمده و مشاهده‌ی کاهش اندازه‌ی شاخص‌های فقر بعد از هدفمندی یارانه‌ها، پیش‌بینی می‌گردد اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها نتایج مفیدی را حداقل در بخش روستایی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: خط فقر، شاخص سن، عملکرد تغذیه‌ای، یارانه، مازندران.

۱- دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه علوم کشاورزی ساری
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم کشاورزی ساری
(*- نویسنده مسئول: mmojaverian@yahoo.com)

مقدمه

فقر به وضعیت فردی گویند که فاقد مقدار پول یا مایملک مادی معمولی برای تأمین نیازهای اولیه خود باشد (میر، ۱۳۸۴). در اقتصاد توسعه، رفع فقر اولین هدف محسوب می‌شود. در کشورهای توسعه نیافته یک سری روابط زنجیره‌ای وجود دارد که به دایره خبیثه فقر معروف است. این روابط اثر منفی در فرایند توسعه اقتصادی آن کشورها می‌گذارد. این دور باطل به علت کمبود سرمایه، عدم کارایی سرمایه کم، کمبود تقاضای بازار، درآمد ناچیز به دست آمده و در نهایت، پس انداز ناچیز خواهد بود و دوباره این دور شروع می‌شود (قره باغیان، ۱۳۷۲). فقر عمومی عاملی مؤثر در عدم توسعه اقتصادی در جهان سوم محسوب می‌شود. رابطه‌ی مستقیمی بین فقر و امنیت غذایی وجود دارد بنابراین گرسنگی نه تنها ناشی از فقر است بلکه موجب تداوم آن نیز می‌گردد. مبتلایان به گرسنگی عمدتاً از فقیرترین اقشار اجتماعی در کشورهای در حال توسعه هستند (عبادی، ۱۳۸۳).

نتایج مطالعات سبد غذایی در قالب طرح مابا (مطالعات الگوی برنامه‌ریزی و اجرا) در سال ۱۳۷۷ نشان داد که با وجود پرداخت یارانه، حدود یک پنجم خانوار دچار کمبود دریافت انرژی و پروتئین هستند؛ به عبارتی قادر به سیری شکم و تأمین حداقل نیازهای تغذیه‌ای نیستند، بخش قابل توجهی از مردم ایران بدون کمک دولت قادر به تأمین حداقل معاش خود نبوده و از طرف دیگر، منابع و اعتبارات موجود برای حمایت از این اقشار، محدود است. بنابراین، با کاهش و حذف یارانه غیر مستقیم؛ توزیع هدفمند یارانه در راستای امنیت غذایی، اجتناب ناپذیر است (نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۰). رابطه‌ی میان سیاست هدفمندسازی یارانه و هدف کاهش فقر موضوعی مورد مناقشه بین اقتصاددانان و سیاست‌گزاران است. برخی با اعتقاد به رویکرد متعارف و مرسوم اقتصادی بر این باورند که حذف یارانه‌های همگانی و جایگزینی آن‌ها با یارانه‌های نقدی، کاراترین سیاست در رسیدن به هدف یاد شده است. در مقابل برخی معتقدند که کاهش فقر مستلزم بکارگیری سیاست‌های باز توزیع درآمدی است که در ماهیت متفاوت از سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها است (دینی ترکمانی، ۱۳۸۴). به همین منظور مطالعه حاضر به اندازه‌گیری فقر در نواحی روستایی در قبل و بعد از اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها می‌پردازد.

مطالعه پیرامون فقر و سیاست‌های فقرزدایی مدت‌ها مورد توجه محققین بوده است. با این وجود در سالهای اخیر - به دلیل گسترش فقر و بخصوص پس از برنامه تعدیل اقتصادی - بیشتر مورد توجه قرار گرفت. مطالعات مختلفی در داخل و خارج از کشور به بررسی ابعاد دیگری از تأثیر حمایت‌های دولتی بر فقر و رفاه خانوارها پرداخته‌اند.

لارکی (۱۹۸۸)^۱، در مراکش اثرات افزایش قیمت کالاهای اساسی را بر تغذیه، رفاه و بودجه‌ی دولت با به‌کارگیری روش دیتون بررسی کرد. وی معتقد بود که در سیستم غیر هدفمند بخش بزرگی از یارانه به سمت گروه‌های با درآمد بالا نشست می‌کند، ولی با توجه به این‌که گروه‌های فقیر سهم بیشتری از درآمدها را صرف خرید مواد غذایی می‌کنند در نتیجه افزایش قیمت مواد غذایی، قدرت خرید خانوار و وضعیت تغذیه‌ای آن‌ها بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جرگنسون^۲ (۱۹۹۰) با تجزیه و تحلیل معیارهای پولی رفاه اجتماعی از طریق شاخص‌های معرفی شده‌ی برابری و کارایی و برآورد آنها، امکان بررسی سیاست توزیع مجدد روی رفاه اجتماعی را بررسی کرده و به از بین بردن فقر به صورت موضوعی از طریق سیاست توزیع مجدد اشاره کرده است.

سان^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه خود به ارزیابی اثر مالیات‌های غیرمستقیم و یارانه‌ها بر فقر در کشور تایلند پرداخت. وی در این مطالعه ابتدا کشش فقر نسبت به قیمت‌ها را محاسبه و دو جزء اثر درآمدی و اثر نابرابری استخراج کرد. سپس، شاخص فقرگرایی قیمت‌ها را به دست آورد. نتایج مطالعه با استفاده از این شاخص نشان داد که یارانه‌های پرداختی دولت - به‌صورت غیر نقدی - به‌طور نسبی بیشتر به نفع فقرا بوده است. همچنین افزایش قیمت در اقلام خوراکی به‌واسطه افزایش مالیات‌های غیر مستقیم به افراد فقیر بیشتر از افراد غیر فقیر آسیب رسانده و به‌طور متقابل افزایش قیمت‌های ناشی از اعمال مالیات‌های غیرمستقیم بر روی گروه خدمات ارتباطی، تفریح و سرگرمی و آموزش و نظایر آن به افراد غیر فقیر بیشتر از فقرا آسیب می‌رساند. سان و کاکوانی^۴ (۲۰۰۸) به‌منظور اندازه‌گیری تأثیر تغییر قیمت کالاهای خوراکی و غیرخوراکی بر شاخص‌های فقر در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ در کشور به محاسبه کشش فقر، اثر تغییر قیمت‌ها بر روی آن به‌صورت دو جزء اثر درآمدی و اثر نابرابری تفکیک کردند. نتایج نشان داد که تغییرات قیمت در دوره مورد بررسی به‌طور متناسب در جهت رفاه و مطلوبیت افراد ثروتمند نسبت به افراد فقیر رخ داده است. با این حال در سال‌های آخر، تغییرات قیمت در جهت رفاه و کاهش فقر افراد فقیر در مقایسه با افراد ثروتمند اتفاق افتاده است. همچنین نتایج محاسبه شاخص فقر در برزیل نشان داد که در حالت کلی افراد فقیر در مقایسه با کل جمعیت با نرخ تورم بالاتری رو به رو بودند. اگر چه این روند در دو سه سال اخیر تغییر کرده است. آمازا و همکاران^۵ (۲۰۰۹) مطالعه‌ای در مورد اثرات یک برنامه ترویجی بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی در نیجریه پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که طرح ترویج کشاورزی پایدار در ایالت برونو (PROSAB) بهبود قابل ملاحظه امنیت غذایی در مناطق تحت پوشش موفق بوده است. علاوه بر این، مقایسه بین مناطق در سال ۲۰۰۸ نشان داد که عدم امنیت غذایی در جوامع که در آن PROSAB اجرا گردید کمتر از مناطق دیگر است.

1- Laraki

2- Jorgenson

3- Son

4- Son & Kakwani

5- maza and et al

اسلامی (۱۳۷۹)، در مطالعه‌ای با استفاده از اطلاعات طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار به بررسی یارانه و خط فقر پرداخت. این مطالعه نشان داد در سال ۱۳۷۷ حدود ۱۵/۹۶ میلیون نفر در کشور زیر خط فقر مطلق به سر برده‌اند که برای رهایی از آن علاوه بر پرداخت یارانه‌ی فعلی نیاز به بودجه‌ای در حدود ۶۸۶۶ میلیارد ریال بوده است. همچنین حدود ۱۱ میلیون نفر زیر خط فقر نسبی بوده‌اند که برای رهایی از آن نیاز به بودجه‌ای در حدود ۴۸۱۵ میلیارد ریال بوده است. کاشی و حیدری (۱۳۸۳) در برآورد سطح امنیت غذایی خانواده‌های ایرانی بر اساس شاخص AHFSI با استفاده از داده‌های طرح آماری درآمد و هزینه‌ی خانوار، ماتریس عملکرد تغذیه‌ای را برآورد کردند. سپس سطح فقر غذایی، شدت فقر غذایی و پایداری عرضه غذا محاسبه شده و در نهایت شاخص امنیت غذایی اندازه‌گیری شد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده طی سالهای ۷۹-۷۴ سطح امنیت غذایی جوامع روستایی نسبتاً مطلوب شده و مقدار عددی شاخص بالای ۹۰/۵ درصد رسیده است. رییس دانا (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان اندازه‌گیری شاخص فقر در ایران، محتوا و توانمندی درونی شاخص‌های اساسی را با توجه به نیاز اقتصاد ایران بررسی کرد. برای این کار از اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین اطلاعات مربوط به نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۸۲-۱۳۷۵) استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که هم فقر نسبی و هم فقر مطلق در ایران از رو به افزایش بوده و ضریب جینی در حدود ۰/۴۲۵ برای بیش از ۱۰ سال ثابت باقی ماند. کرمی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای، توزیع منافع یارانه‌ی غذا در ایران را با تعیین مصرف سرانه و در نظر گرفتن قیمت یارانه‌ای و قیمت آزاد و با تأکید بر سه کالای نان، روغن و قند و شکر مورد بررسی قرار دادند. بر اساس این مطالعه در سال ۱۳۸۰ متوسط خط فقر نسبی مناطق روستایی ۸۹۵۰/۵ هزار ریال بود که در مقایسه با خط فقر نسبی سالانه در مناطق شهری استان‌های مختلف پایین‌تر و بیانگر بالاتر بودن سطح هزینه‌ی زندگی در مناطق شهری است. خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۸) به محاسبه شاخص‌های مختلف فقر از جمله خط فقر، درصد افراد فقیر، شکاف فقر و شاخص فقر سن با استفاده از داده‌های خام طرح آمارگیری از درآمد و هزینه خانوار و با تأکید بر عملکرد تغذیه‌ای پرداختند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از شاخص سن و با توجه به مفهوم مطلق فقر، در طی دوره مطالعه (۸۶-۷۲) اندازه‌ی فقر در مناطق شهری و روستایی همراه با نوساناتی سیر کاهنده داشته است. بر اساس مفهوم مطلق فقر، اندازه فقر در روستاها بیشتر از مناطق شهری است در حالیکه براساس مفهوم نسبی فقر، شرایط برعکس است با توجه به مطالعات گذشته هدف از این مطالعه اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس ماتریس عملکرد تغذیه‌ای در بین خانوارهای روستایی استان مازندران می‌باشد.

روش تحقیق

شاخص‌های متنوعی مانند خط فقر، درصد افراد فقیر، شکاف فقر و شاخص فقر سن برای اندازه‌گیری میزان فقر وجود دارد. برای اندازه‌گیری شاخص‌های فوق ابتدا باید عملکرد تغذیه‌ای خانوارها استخراج شود. این رو در این مطالعه ابتدا خانواده‌ها براساس مخارج کل سرانه‌شان به ده دهک درآمدی تفکیک شده‌اند،

سپس مصرف اقلام غذایی مختلف هر یک از دهک‌های درآمدی در نظر گرفته شده تا ماتریس اقلام مصرفی به دست آید. پس از آن، ماتریس ارزش‌های غذایی اقلام مصرفی جمع‌آوری گردید. با ضرب نمودن این دو ماتریس، عملکرد تغذیه‌ای فرد شاخص و ده دهک درآمدی مناطق روستایی محاسبه شده و میزان انرژی دریافتی هر یک به دست آمد. حداقل انرژی مورد نیاز فرد به عوامل متعددی مانند سن، جنسیت، وضعیت جسمانی، سبک زندگی و غیره وابسته است. فائو حداقل کالری مورد نیاز را ۲۱۰۰ کالری پیشنهاد کرده است. پژوهشگران (۱۳۷۸) در مطالعات خود در مورد ایران این میزان را ۲۱۷۹ و ۲۳۰۰ کالری را برای محاسبه خط فقر معرفی کرده است. در این مطالعه نیز بر اساس کار پژوهشگران این دو مقدار برای محاسبه خط فقر به‌عنوان معیار قرار گرفته خط فقر مطلق محاسبه می‌شود.

با تطبیق خط فقر با مخارج کل تمامی خانواده‌های موجود در طرح آمارگیری درآمد و هزینه‌ی خانوار، وضعیت هر خانوار مشخص می‌شود. درصد خانواده‌های فقیر (H) شاخصی است که بخشی از جنبه‌های فقر را در جامعه روشن می‌سازد و به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$H = \frac{q}{n} \times 100 \quad (1)$$

در این رابطه H درصد فقر، q تعداد فقرا و n کل جامعه می‌باشد. شاخص درصد افراد فقیر دارای نقاط وضعی است؛ برای مثال اگر در هر یک از دو جامعه (الف و ب) صد نفر زندگی کنند و در هر یک از آن‌ها ده نفر زیر خط فقر باشند، درصد خانواده‌های فقیر در هر دو جامعه ۱۰ درصد است. اما احتمال زیاد وجود دارد که کمبود درآمد فقیرها نسبت به خط فقر در این دو جامعه متفاوت باشد. بر این اساس در کنار شاخص درصد افراد فقیر اغلب از شاخص شدت فقر (I) نیز استفاده می‌شود. شاخص شکاف فقر نشان می‌دهد که میزان کمبود درآمد هر یک از افراد فقیر چند درصد خط فقر است.

$$I = \frac{\sum_{i=1}^n (z - x_i)}{n \cdot z} \quad (2)$$

در رابطه فوق I شدت فقر، z خط فقر، n تعداد فقیرها و x_i مخارج فقیر i ام می‌باشد. یکی دیگر از شاخص‌های فقر، شاخص سن (P) است که از فرمول زیر به دست می‌آید:

$$P = H [I + (1-I) G] \quad (3)$$

و در آن P شاخص سن اندازه فقر، H درصد افراد فقیر، I شدت فقر و G ضریب جینی فقرا است. اندازه‌ی P بین صفر و یک می‌باشد. بر اساس تعریف سن، ضریب جینی فقرا نیز از فرمول زیر به دست می‌آید (رئیس-دانا، ۱۳۸۴):

$$G = 1 + (1/q) - (1/q^2 \mu^*) [q(z-x_1) + (q-1)(z-x_2) + \dots + (z-x_q)] \quad (4)$$

که در آن μ^* میانگین درآمد فقرا است. داده‌های تحقیق از داده‌های خام طرح آمارگیری از درآمد و هزینه‌ی خانوار روستایی در استان مازندران که توسط مرکز آمار ایران جمع‌آوری گردیده استخراج شده است. قلمرو پژوهش از نظر مکانی، ساکنین روستاهای مازندران و قلمرو زمانی تحقیق، دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ به صورت یکسال در میان و در مجموع شش دوره زمانی می‌باشد.

نتایج و بحث

پس از جمع‌آوری آمار هزینه‌ی خوراک خانوارهای روستایی برحسب ۱۰ دهک درآمدی، مقادیر هزینه‌ها با محاسبه ماتریس عملکرد تغذیه‌ای به انرژی تبدیل گردید. به‌منظور تخمین ماتریس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی دو ماتریس تهیه‌شده که ماتریس اول شامل مقادیر مصرف اقلام مختلف در یک سال و ماتریس دوم شامل ارزش‌های غذایی اقلام مختلف در یک کیلوگرم می‌باشد. از ضرب دو ماتریس مذکور ماتریس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای روستایی برآورد گردید. در جدول ۱ انرژی دریافتی خانوار روستایی مازندران برای فرد شاخص و ده دهک درآمدی برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ درج شده است. ارقام مندرج در جدول دلالت بر آن دارد که در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ حدود ۱۰ درصد خانوار روستایی قادر به تأمین انرژی موردنیاز خود (چه بر اساس ۲۱۷۹ کالری و چه بر اساس ۲۳۰۰ کالری) نبوده‌اند.

جدول ۱- عملکرد تغذیه‌ای خانوار روستایی مازندران (روزانه-سرانه)

سال	فرد شاخص	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
۱۳۸۰	۵۲۰۰	۳۳۲۲	۳۵۲۴	۳۷۸۴	۴۷۴۳	۴۸۸۲	۵۰۲۴	۶۰۷۱	۶۱۹۷	۶۳۸۸	۸۰۶۴
۱۳۸۲	۴۵۱۹	۲۲۷۹	۲۸۲۰	۴۲۹۵	۴۵۹۹	۴۶۵۱	۴۶۶۷	۴۹۸۶	۵۰۸۷	۵۳۱۸	۶۲۸۹
۱۳۸۴	۵۱۸۸	۳۱۱۵	۳۷۲۵	۴۵۰۹	۴۸۹۶	۴۹۳۹	۵۷۷۳	۵۹۳۵	۶۸۴۴	۶۹۵۳	۱۰۴۸۸
۱۳۸۶	۴۹۳۸	۲۵۲۷	۲۴۵۲	۲۸۸۰	۴۴۷۰	۴۵۴۳	۴۷۴۴	۴۷۷۴	۶۴۵۴	۶۷۵۰	۹۷۹۰
۱۳۸۸	۳۶۴۱	۲۰۱۰	۲۸۱۰	۳۶۰۰	۳۱۲۲	۳۱۷۱	۳۷۱۴	۳۲۶۸	۵۸۰۳	۴۸۵۴	۴۰۵۴
۱۳۹۰	۴۲۲۸	۱۶۸۰	۲۷۵۹	۲۷۲۳	۳۷۶۲	۳۰۱۷	۴۹۰۵	۳۳۰۶	۶۱۹۷	۵۲۸۰	۶۴۴۶

با بررسی انرژی دریافتی خانواده‌ها از محل کالاهای مختلف مشخص می‌شود که قبل از هدفمندی یارانه‌ها گروه‌های کم درآمد روستایی در تأمین انرژی به اقلام موجود در بسته حمایتی دولت وابسته بودند. برای مثال در سال ۱۳۸۰ اقلامی همچون آرد گندم (به‌علاوه انواع نان)، انواع برنج، گوشت قرمز، شیر پاستوریزه، انواع روغن نباتی و قند و شکر مجموعاً ۸۱ درصد انرژی دریافتی دهک اول روستایی را تأمین کرده است. البته این موضوع به معنی آن نیست که درصدهای گفته شده همگی از طریق حمایت دولت تأمین شده است؛ بلکه تأکید بر آن است که اقلامی که در بسته‌ی حمایتی دولت قرار گرفته‌اند، نقش عمده‌ای در الگوی مصرف و تأمین نیازهای غذایی گروه‌های کم‌درآمد دارند.

جدول ۲- سهم اقلام یارانه‌ای در تأمین انرژی دریافتی (درصد)

سال	فرد شاخص	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
۱۳۸۰	۷۲	۸۱	۷۸	۷۷	۷۷	۷۴	۷۰	۶۸	۶۶	۶۶	۶۵
۱۳۸۲	۶۷	۷۴	۷۳	۷۲	۷۳	۷۳	۷۰	۶۵	۵۸	۵۶	۵۵
۱۳۸۴	۶۳	۸۳	۸۳	۷۴	۷۵	۷۸	۵۲	۴۷	۴۷	۴۷	۴۸
۱۳۸۶	۶۴	۷۴	۶۹	۶۲	۶۸	۶۸	۶۱	۶۴	۶۲	۵۶	۵۵
۱۳۸۸	۶۴	۷۲	۷۱	۶۹	۶۹	۶۲	۶۴	۶۱	۶۱	۵۹	۵۷
۱۳۹۰	۶۳	۵۸	۶۴	۶۲	۶۹	۶۶	۶۲	۶۱	۶۴	۵۹	۶۱

منبع: یافته‌های پژوهش.

لازم به ذکر است برای محاسبه‌ی ارقام جدول ۲ ابتدا از طریق ماتریس عملکرد تغذیه‌ای کل انرژی دریافتی دهک‌های مختلف درآمدی اندازه‌گیری و سپس به‌طور جداگانه انرژی دریافتی از اقلام موجود در بسته‌ی حمایتی دولت محاسبه شد. با تقسیم آن بر کل انرژی دریافتی، سهم اقلامی که در بسته حمایتی قرار داشته‌اند از کل انرژی دریافتی محاسبه شد. همان‌طور که مشخص است در سال ۱۳۹۰ یعنی یک سال پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها این موضوع صادق نبوده و حتی پایین‌ترین گروه درآمدی، حداقل سهم را از مصرف آن دسته از اقلام غذایی که در حمایت دولت قرار داشت، برخوردار بوده است.

جدول ۳ نشان‌دهنده‌ی مقدار و هزینه‌ی هر یک از کالاهای اساسی خوراکی، به‌منظور تأمین حداقل کالری با پایین‌ترین هزینه است. با توجه به مقادیر مندرج در این جدول، هزینه‌ی اقلام غذایی اساسی برای یک نفر در روز بر اساس نیاز ۲۱۷۹ کالری (برای مثال) در سال ۸۰، (۲۰۳۳) ریال بوده و با فرض اینکه ارائه‌ی یارانه توسط دولت توانسته باشد ۱۰ درصد هزینه‌ی مذکور را کاهش دهد و با قبول ۳۵ درصد هزینه‌های خوراکی از کل هزینه‌های زندگی فرد، مجموع هزینه‌ی زندگی یک نفر در روز (۵۲۲۸) ریال و در سال معادل (۱۹۰۸۳۵۰) ریال خواهد بود. در این حالت با توجه به بعد خانوار در گروه‌های هزینه‌ای در مناطق روستایی، ۸/۵ درصد خانواده‌ها زیر خط فقر قرار داشته و برای رساندن آنها به خط فقر به مبلغی در حدود (۱۴۳۰۹۹۵۰) ریال نیاز بوده است. همچنین در سال ۱۳۹۰ هزینه‌ی اقلام غذایی اساسی برای یک فرد در روز (۱۰۹۳۳) ریال بوده و با قبول ۳۹ درصد هزینه‌های خوراکی (بدون احتساب یارانه‌ها) مجموع هزینه‌ی یک فرد در روز (۲۸۰۳۲) ریال و در سال معادل (۱۰۲۳۱۶۹۹) ریال خواهد بود. با توجه به بعد خانوار در گروه‌های هزینه‌ای در مناطق روستایی، ۸ درصد خانواده‌ها زیر خط فقر قرار داشته و برای رساندن آنها به خط فقر به مبلغی در حدود (۳۷۷۸۱۴۸۵) ریال نیاز بوده است.

جدول ۳- مقدار و هزینه کالاهای اساسی خوراکی (نفر روز) با کمترین هزینه (گرم-ریال)

عنوان	ماه	گوشت قرمز	شیر	تخم مرغ	روغن	نان	برنج	قند و شکر	حبوبات و سویا	سیب‌زمینی	میوه	سبزیجات	سبب زمینی
مقدار	۲۵	۲۲	۲۱۰	۶۰	۴۰	۱۵۵	۱۱۰	۶۵	۸۵	۱۷۲	۳۲۰	۳۲۰	۸۰
(گرم)	۲۵	۳۳	۲۲۵	۶۵	۴۳	۱۶۳	۱۱۶	۶۸	۸۹	۱۷۵	۳۲۵	۳۲۵	۹۰
هزینه	۱۰۰	۳۹۶	۳۳۱	۳۷۰	۸۴	۶۹۷	۱۳۲	۴۵/۵	۳۳۳	۱۷۲	۱۵۴	۱۵۴	۵۶
(ریال)	۶۲/۵	۵۵۰	۳۱۵	۳۳۶	۵۶	۴۶/۵	۱۶۵	۶۵	۳۴۰	۲۵۸	۳۳۰	۳۳۰	۸۸
سال ۱۳۸۲	۱۲۵	۲۸۶	۴۲۰	۴۲۲	۸۰	۱۱۶/۲	۲۹۷	۶۵	۴۲۵	۲۰۶/۴	۴۴۰	۴۴۰	۵۶
سال ۱۳۸۴	۱۷۵	۶۶۰	۴۲۰	۷۲۰	۱۳۴/۴	۱۶۲/۷	۱۷۸	۷۸	۶۰۳/۵	۵۱۶	۸۸۰	۸۸۰	۳۴۰
سال ۱۳۸۸	۴۵۰	۱۳۱۰	۵۲۵	۸۶۴	۱۸۶	۱۸۶	۶۶۰	۱۴۳	۱۱۰۵	۷۷۴	۱۳۲۰	۱۳۲۰	۸۰
سال ۱۳۹۰	۳۷۵	۱۴۳۰	۱۰۵۰	۱۳۲۰	۶۸۰	۸۲۱/۵	۷۷۰	۶۵۰	۱۱۹۰	۹۴۶	۱۵۴۰	۱۵۴۰	۱۶۰

منبع: مرکز آمار؛ قیمت هر واحد از اقلام غذایی مصرفی خانوار (۹۰-۱۳۸۰).

برای محاسبه‌ی شدت فقر، ابتدا خط فقر محاسبه‌شده را با مخارج کل تک‌تک خانواده‌های موجود در طرح آماری درآمد و هزینه خانوار تطبیق داده و سپس خانواده‌هایی که مخارج آن‌ها (x_i)، از خط فقر (Z)، کمتر بود، به عنوان فقیر در نظر گرفته شدند. پس از آن مجموع تفاضل خط فقر از مخارج خانواده‌های فقیر، بر خط فقر و تعداد افراد فقیر تقسیم شد. همچنین شاخص سن نیز با توجه به نتایج به‌دست‌آمده محاسبه شد.

همان‌طور که از جدول ۴ مشخص است، شاخص‌های فقر تا سال ۸۸ روند افزایشی داشته اما در سال ۹۰ شاهد کاهش چشم‌گیری در اندازه‌ی این شاخص‌ها هستیم، که می‌تواند نشانگر تأثیرگذاری اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر شاخص‌های مختلف فقر باشد.

جدول ۴- خط فقر، درصد فقر، شدت فقر، شاخص فقر سن

سال	شاخص اندازه‌گیری	خط فقر	درصد فقر (H)	شدت فقر (I)	شاخص سن (P)
۱۳۸۰	۲۱۷۹ کالری	۱,۹۰۸,۳۵۰	۸/۵	۴۴	۰/۰۷۰
	۲۳۰۰ کالری	۲,۰۰۶,۸۰۷	۸/۸۵	۴۷	۰/۰۷۱
۱۳۸۲	۲۱۷۹ کالری	۲,۴۵۱,۵۴۹	۴/۵	۴۵	۰/۰۳۸
	۲۳۰۰ کالری	۲,۵۷۶,۴۷۲	۵/۵	۴۰	۰/۰۴۵
۱۳۸۴	۲۱۷۹ کالری	۲,۷۷۵,۱۴۵	۴/۵	۵۰	۰/۰۳۹
	۲۳۰۰ کالری	۲,۹۱۷,۰۳۳	۴/۵	۵۳	۰/۰۳۹
۱۳۸۶	۲۱۷۹ کالری	۴,۴۶۳,۵۵۵	۹/۵	۶۰	۰/۰۴۸
	۲۳۰۰ کالری	۴,۶۸۷,۲۴۷	۱۰	۵۹	۰/۰۸۸
۱۳۸۸	۲۱۷۹ کالری	۶,۶۵۹,۶۷۲	۹/۵	۶۹	۰/۰۸۶
	۲۳۰۰ کالری	۶,۹۵۷,۹۸۵	۹/۵	۷۰	۰/۰۸۷
۱۳۹۰	۲۱۷۹ کالری	۱۰,۲۳۱,۶۹۹	۸	۲۵	۰/۰۵۲
	۲۳۰۰ کالری	۱۰,۷۳۹,۷۹۷	۹	۲۵	۰/۰۵۹

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اندازه‌گیری شاخص‌های مختلف فقر مانند خط فقر درصد افراد فقیر، شکاف فقر و شاخص‌های فقر از جمله شاخص سن این امکان را فراهم می‌سازد که نقشه‌ای از فقر در کشور ارائه شود. در این مطالعه نیز با تأکید بر عملکرد تغذیه‌ای خانواده‌های روستایی مازندران، خط فقر و سایر شاخص‌های فقر محاسبه شد.

نتایج دلالت بر آن داشت که طی سال‌های ۸۲ تا ۸۶ تمامی دهک‌ها از نظر حداقل انرژی دریافتی مورد نیاز تأمین بوده‌اند و به غیر از سال‌های ۸۸ و ۹۰ که ۱۰ درصد جامعه انرژی مورد نیازشان را دریافت نکرده‌اند به‌طور متوسط جامعه‌ی روستایی مازندران انرژی دریافتی را بیشتر از مقدار توصیه شده (به‌خصوص در گروه‌های درآمدی بالاتر) دریافت کرده‌اند.

در سال‌های قبل از هدفمندی یارانه‌ها گروه‌های کم درآمد سهم بیشتری را در مصرف اقلام یارانه‌ای داشته‌اند.

در سال ۸۸ تقریباً ۱۰ درصد جامعه روستایی مازندران (دهک اول درآمدی) زیر خط فقر قرار داشتند.

در سال ۹۰ (بعد از هدفمندی یارانه‌ها) با وجود کاهش چشم‌گیر فقر، شاهد عدم تأمین انرژی مورد نیاز دهک اول درآمدی جامعه‌ی روستایی هستیم و با توجه به اینکه این گروه درآمدی کمترین سهم را از مصرف کالاهای اساسی نیز داشته است می‌توان نتیجه گرفت که با نقدی شدن یارانه‌ها و دریافت یارانه به صورت مستقیم، درآمد جامعه‌ی مورد نظر به شکل قابل توجهی افزایش یافته است، که این موضوع می‌تواند به‌طور بالقوه کاهش شاخص‌های فقر را به دنبال داشته باشد، اما احتمالاً این افزایش درآمد به شکل کاربردی برای تأمین کالری مورد نیاز خانوار به کار گرفته نمی‌شود.

برای جامعه‌ی روستایی که معمولاً مواد غذایی مورد نیازشان از راه کشت و زرع و پرورش دام و طیور، توسط خودشان تأمین می‌گردد؛ دریافت یارانه‌ی نقدی نسبت به یارانه‌ی کالایی منفعت بیشتری داشته است. در این راستا با توجه به نتایج بدست آمده و مشاهده‌ی کاهش اندازه‌ی شاخص‌های فقر بعد از هدفمندی یارانه‌ها، پیش‌بینی می‌گردد اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها نتایج مشابهی را لااقل در بخش روستایی داشته باشد.

در رابطه با نحوه‌ی اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها پیشنهاد می‌شود آن درصد خانوارهایی که زیر خط فقر قرار دارند شناسایی شده و در کانون توجه قرار گیرند. آموزش تغذیه صحیح و بهره‌مندی از مواد مغذی برای این دهک در موفقیت فاز دوم برای امنیت غذایی و کاهش فقر نقش چشمگیری دارد.

منابع

- اسلامی س (۱۳۷۹). بررسی یارانه و خط فقر. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۴: ۲۷-۵۰.
- خداداد کاشی ف. و حیدری خ (۱۳۸۳). برآورد سطح امنیت غذایی خانوارهای ایرانی بر اساس شاخص AHFSI. اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۴۸: ۱۶۶-۱۵۵.
- خداداد کاشی ف. و حیدری خ (۱۳۸۸). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی. پژوهشنامه‌ی اقتصادی. ۳: ۲۳۱-۲۰۵.
- دینی ترکمانی ع (۱۳۸۴). یارانه‌ها رشد و فقر. فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۱۸: ۱-۳۰.
- رییس دانا ف (۱۳۸۴). اندازه‌گیری شاخص و پویش فقر در ایران. فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۱۷.
- عبادی ف (۱۳۸۳). امنیت غذایی و توزیع درآمد. معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد

کشاورزی. تهران، ایران.

قره باغیان م (۱۳۷۲). اقتصاد رشد و توسعه. انتشارات نشر نی. تهران

کرمی ا، اسماعیلی ع. و نجفی ب (۱۳۸۷). بررسی توزیع منافع یارانه‌های غذا در ایران. مجله‌ی اقتصاد کشاورزی. ۱: ۱۸۳-۱۶۱.

محتشم دولتشاهی، ط (۱۳۸۹). مبانی علم اقتصاد. ویراست ششم. انتشارات خجسته. تهران.

مرکز آمار ایران (۹۰-۱۳۸۰). طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار روستایی، مازندران.

میر ج. و استیگلیتز ج (۱۳۸۴). پیشگامان اقتصاد توسعه. ترجمه آزاد، غلامرضا. نشر نی. تهران

نصرآبادی ف (۱۳۹۰). سهم دریافت انرژی و مواد مغذی خانوارهای ایرانی از اقلام غذایی یارانه‌ای در گروه‌های اجتماعی-اقتصادی. مجله‌ی علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران. ۱: ۵۶-۴۳.

Amaza P. Abdoulaye T. Kwaghe P. and Tegbaru A (2009). Changes in household food security and poverty status in PROSAB area of Southern Borno State, Nigeria. International Institute of Tropical Agriculture (IITA) Available at: www.iita.org

Jensen H.H. and Manrique J (1998). Demand for Commodities by Income Groups in Indonesia. *Applied Economics*. 30: 491-501.

Jorgenson D.T (1990). Aggregate Consumer Behavior and Measurement of Social Welfare. *Econometrica*. 5: 1007-1040.

Laraki k (1988). Food Subsidies: A Case Study of Price Reform in Morocco, Living Standard Measurement Study. Working Paper. 50.

Sen A (1987). *The Standard of Living*. Cambridge University press.

Son H.H. Kakwani N (2008). Measuring the impact of price change on poverty. *Journal of economic Inequality*. Vol .6, No.2, pp 1-16

Son H.H (2006). Assessing the pro_poomess of Government Fiscal Policy in Thailand. *Public Finance Review*, vol. 34 No. 4, pp 427-449.

Does government protectionism reduce poverty indices in the rural? Case Study Mazandaran Province

Mojataba Mojaverian^{1*} and Noosheen Reisi²

Received: 1 April, 2014

Accepted: 14 December, 2014

Abstract

Poverty is major obstacle to economic development in the third world. The purpose of this study was to measure poverty quantity in the rural of Mazandaran province in the two-year periods that one of them selected after performing modification of subsidies payment. After calculating poverty lines in the study area, indicators of poverty, extreme poverty, sen was calculated for this purpose. Survey data were collected from income and expenditure of rural household statistical of Province between 2001 to 2011. The results show in 2009, almost 10% of the population was below the poverty line. In 2011 (after modification of subsidies payment) Necessary energy for the first docile do not meet. Because Food supplies needed of the rural community by self-producing, receiving cash subsidies (direct subsidy) is more profitable than commodity subsidy (indirect subsidy) for them. In this regard, according to the results specially reduction of poverty due to perform the first stage of subsidies modification program, helpful result is expected from enforcing of the second stage of subsidies modification program.

Key Word: Nutrition Yield, poverty lines, Sen Index, subsidy, Mazandaran

1 - Assistant Professor, Department of Agricultural Economics, sari University.

2 - M.Sc. student of Department of Agricultural, sariUniversity

(*- Corresponding author Email: mmojaverian@yahoo.com)